

بررسی تأثیرات فساد اداری بر حقوق بشر

رحمان‌علی جاوید*

چکیده

این تحقیق، تأثیرات فساد اداری بر حقوق بشر را به واکاوی می‌گیرد. نگارنده مدعی است که فساد هم‌چون عامل و کتلست برای نقض حقوق بشر عمل می‌کند.

تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تحقیقات کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری، تحقیقات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، مستندات اداره عالی مبارزه با فساد، گفت‌وگوی مردم افغانستان پیرامون صلح و گزارش‌های سیگار انجام شده است**.

بنیاد آندیشه
تأسیس ۱۳۹۴

یافته‌های تحقیق حاکی است که فساد به هر شکل آن، خُرد یا کلان، دولت را از اجرای مکلفیت‌های حقوق بشری‌اش دور ساخته و مانع استیفای مردم از حقوق بشری‌شان می‌شود. فساد هم‌چون عامل مهم در زمینه‌سازی و ایجاد فضایی که حقوق بشر در آن به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم به پیمان‌های مختلف نقض می‌شود، نقش بازی می‌کند. این تحقیق نشان می‌دهد که فساد چگونه و در چه زمینه‌ها حقوق بشر را نقض کرده و سد راه برخورداری شهروندان از حقوق بشری‌شان می‌شود.

به دولت پیشنهاد می‌شود تا با اراده سیاسی قوی، و به‌طور جدی، مستمر و کارا علیه فساد مبارزه کند. در این راستا، موارد زیر مهم و حیاتی محسوب می‌شوند: (۱)

* پژوهش‌گر و فعال صلح و حقوق بشر.

اتخاذ رویکردی مبتنی بر حقوق بشر در برنامه‌ریزی‌ها، پالیسی‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در تمام عرصه‌ها؛ ۲) آگاه‌سازی مأموران دولت و کلیه مؤلفین خدمات عامه در مورد مکلفیت‌های‌شان در قبال حقوق بشر؛ ۳) حمایت از حق آزادی بیان و تقویت مکانیزم‌های دسترسی به اطلاعات در امر مبارزه با فساد.

واژگان کلیدی: افغانستان، حقوق بشر، فساد، نقض حقوق بشر.

مقدمه

فساد نه تنها مشکل خاص افغانستان، بلکه یک مشکل جهانی است. بر اساس گزارش صندوق جهانی بین‌المللی، تنها برآورد میزان رشوت در سال، بیش از ۱٫۵ تا ۲ تریلیون دالر (حدود ۲ فیصد تولید ناخالص جهان) است. آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی فساد خیلی وسیع است و رشوت صرف یک جنبه فساد را نشان می‌دهد (آی‌ام‌اف^۱، ۲۰۱۶: ۵). با این مبلغ هنگفت، جهان می‌تواند امکان دسترسی میلیون‌ها کودک را به حق غذا، پوشاک، آموزش، صحت و سرپناه فراهم سازد؛ اما فساد آن را مانع می‌شود.

گسترش حقوق بشر در جامعه‌ای بدون فساد ممکن است. شواهد نشان می‌دهد که وضعیت حقوق بشر در کشورهای آلوده به فساد مثل افغانستان، پاکستان، سومالیا و دیگر کشورهای معروض به فساد خراب است. برعکس، کشورهای مثل سویدن، ناروی و نیوزلند که فساد در آن‌ها خیلی کم است، وضعیت حقوق بشری مردم در چنین کشورها بهتر است. تجربه کشورهای مختلف در مبارزه با فساد و تطبیق آن‌ها با سازوکارهای حقوق بشری نشان می‌دهد که اجرای حقوق بشر راهبرد و ابزار مناسب برای مبارزه علیه فساد است (بجستانی، ۱۳۸۵: ۶۵)؛ از این رو، در هر جامعه‌ای که در آن نهادهای کارآمد با مکانیزم‌های قوی مبارزه با فساد وجود داشته و حقوق بشر در آن به منصفه اجرا درآمده، فساد در چنین جوامعی رو به کاهش رفته و مسئله رفاه و امنیت انسانی در آن‌ها بهبود یافته است. برعکس، هر جا که فساد-سیاسی، مالی و اداری وجود داشته و دارد، حقوق بشری شهروندان در چنین جوامعی نقض گردیده و نارضایتی و ناامنی در آن‌ها دامن گسترانیده است.

افغانستان هم یک جامعه معروض به فساد است. فساد سیستمیک در این کشور به یک مشکل جدی تبدیل شده و از جمله عوامل مخل بر سر راه دسترسی به عدالت، رفاه، آسایش و آرامش شهروندان پنداشته می‌شود. فساد، احساس مسئولیت‌پذیری و روند خدمت‌رسانی مؤلفین خدمات عامه به شهروندان را آسیب زده و مصرف منابع و امکانات را به جای تأمین و بهبود وضعیت حقوق

1. INTERNATIONAL MONETARY FUND.

بشر، در جیب و یا حساب‌های بانکی فسادپیشگان، شرکا، اعضای خانواده و حلقه‌های وسیع‌تر مرتبط به آن‌ها قرار می‌دهد؛ مشکلی که منجر به نقض عدالت، امنیت، تضعیف حاکمیت قانون و بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی می‌شود (سارنوالی، ۱۳۹۶: ۱۰۴).

با وجود فساد بی‌رویه در کشور و این که فساد به شکل و شیوه‌های مختلف زندگی مبتنی بر کرامت شهروندان را متأثر می‌سازد، تاکنون کدام تحقیق خاصی که رابطه متقابل فساد اداری و حقوق بشر را به بررسی بگیرد، انجام نشده است. این مقاله، تأثیر فساد اداری بر حقوق بشر را به بحث می‌گیرد. سؤالاتی را که تحقیق به دنبال دریافت پاسخ به آن‌هاست، عبارتند از:

چه رابطه‌ای بین فساد و حقوق بشر وجود دارد؟

فساد چگونه حقوق بشر را نقض کرده و چه پیامدهایی را متوجه زندگی فردی و جمعی جامعه می‌سازد؟

حکومت چگونه می‌تواند با اجرای موازین حقوق بشر در برابر فساد مبارزه کند؟

۱. تعریف مفاهیم

در این جا به اختصار به تعریف مفاهیم محوری تحقیق مثل فساد، حقوق بشر و نقض حقوق بشر پرداخته می‌شود.

۱-۱. فساد

بنیاد اندیشه

نخست لازم است تا تعریف واضحی از فساد اداری و این که فساد چگونه و به چه اشکالی در یک محیط بروز پیدا می‌کند، داشته باشیم. در یک تعریف، فساد اداری عبارت است از استفاده از «قدرت عمومی» برای کسب منافع خصوصی (آی ام اف، ۲۰۱۶: ۳). بر مبنای این تعریف، فساد نه تنها استفاده از قدرت عمومی به نفع شخصی، بلکه استفاده از قدرت عمومی به نفع خانواده و یا حلقه کلان‌تر اجتماعی را نیز شامل می‌شود. این مورد به طور خاص به افغانستان منحیث جامعه‌ای مبتنی بر خویشاندی/روابط مصداق می‌یابد؛ زیرا که در آن استفاده از قدرت عمومی غالباً نه تنها برای کسب منافع شخصی، بلکه برای منفعت رساندن به خانواده، قبیله، قوم و یا گروه اتنیکی به کار می‌رود (سیگار، ۲۰۱۶: ۳).

بر اساس قانون نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری افغانستان، فساد چنین تعریف

1. SIGAR.

شده است: عمل مخالف قانون که توسط کارکنان دولتی و سایر مؤظفین خدمات عامه به مقصد حصول اهداف و منافع شخصی و یا گروهی صورت می‌گیرد. ماده سوم این قانون مصادیق فساد را چنین لیست می‌کند: اختلاس، سرقت اسناد، اتلاف اوراق و اسناد، تجاوز از صلاحیت‌های قانونی، استفاده از امکانات دولتی و اوقات رسمی در امور شخصی، امتناع و استنکاف از وظیفه بدون عذر موجه، کتمان حقیقت، جعل و تزویر اسناد، وانمود ساختن صلاحیت اجرا و یا امتناع از اموری که وظیفه مؤظف خدمات عامه نباشد، تجاوز از حدود صلاحیت‌های قانونی، اخذ هر نوع تحفه به‌منظور اجرای کار در امور مربوطه، تعلل بی‌مورد در اجرائات وظیفه محوله، رویه سوء مؤظفین خدمات عامه در برابر افراد، تطمیع، سفارش و التماس غیر قانونی و واسطه‌شدن و دخیل ساختن ملاحظات قومی، منطوقی، مذهبی، لسانی، حزبی، جنسی و شخصی در انتخاب و استخدام (قانون نظارت بر تطبیق استراتژی، ۱۳۸۷). رایج‌ترین انواع فساد در جدول شماره ۱ دسته‌بندی شده است:

جدول ۱: انواع فساد	
انواع فساد	توضیحات
۱ و ۲. رشوه/ارتشا	پیشنهاد، وعده‌دادن، قبول و یا تقاضا کردن برای یک امتیاز به‌عنوان تشویق به خاطر انجام یک کار غیر قانونی، غیر اخلاقی و یا خیانت در امانت، این تشویق می‌تواند در قالب پیشکش، وام، پول، جایزه و سایر امتیازات باشد (مثل مالیه، خدمات، بخشش و مساعدت).
۳. مشتری‌گرایی	نوعی سیستم نابرابر تبادل منابع و الثفات بر اساس روابط سودجویانه بین یک فرد متمدل یا صاحب قدرت (حامی) و یک فرد کم‌سرمایه و یا ضعیف‌تر (مشتری).
۴. تباری/غبن/ بست‌ویند	سازش پنهانی بین طرفین در بخش خصوصی یا دولتی برای نقشه کشیدن به‌منظور تعهد به انجام کار(هایی) به‌منظور فریب یا تقلب با هدف رسیدن به پول غیر قانونی.
۵. اختلاس	زمانی که شخصی عهده‌دار دفتری در یک مؤسسه، سازمان و شرکتی می‌باشد و به‌صورت غیر قانونی و از روی عدم صداقت/ فریب، اموال و پولی که به وی سپرده شده را به‌منظور کسب مال/ ثروت‌اندوزی شخصی و سایر فعالیت‌ها مصرف یا تصاحب کرده و یا با آن(ها) تجارت می‌کند.
۶. اخاذی	عمل استفاده از موقف یا صلاحیت و یا دانش به‌صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به‌منظور همکاری یا معامله غیر اخلاقی در نتیجه تهدید(های) اجباری.

۷. حق التسهیل	نوعی خُرد از رشوه به عنوان حق التسهیل، حق التسرّیع، یا پول اضافه برای حصول اطمینان از اجرا یا تسرّیع در اجرای یک کار عادی (کار روزمره) و یا کار ضروری که باید قانوناً برای پرداخت کننده پول انجام شود.
۸. تقلب	جرم فریب دادن عمدی شخصی به منظور کسب یک امتیاز غیر قانونی و غیر مجاز (غیر منصفانه) (مالی، سیاسی و غیره).
۹. فساد کلان	سوء استفاده از صلاحیت در موقف بلندرتبه که باعث منفعت تعداد افراد اندکی از طریق اعمال هزینه بر تعداد افراد زیادی می شود و باعث ضرر گسترده و جدی به افراد و جامعه می گردد.
۱۰. قوم گرایی	شکلی از مساعدت بر مبنای رابطه دوستی و یا آشنایی که در آن شخصی در یک موقف رسمی از صلاحیت خود به منظور فراهم ساختن یک موقعیت شغلی و یا مساعدتی به یکی از اعضای فامیل و یا دوستان استفاده می کند؛ حتی اگر وی دارای صلاحیت لازم (واجدالشرايط) و یا مستحق نباشد.
۱۱. پشتیبانی	شکلی از مساعدت و استثنا قائل شدن است که در آن یک شخص انتخاب می شود، بدون توجه به واجدالشرايط بودن وی و یا مستحق بودن برای اشتغال یک وظیفه و یا یک منفعت دولتی به سبب ارتباطات و وابستگی ها.
۱۲. فساد خرد	سوء استفاده روزانه از صلاحیت اعطاشده توسط منسوبین دولتی در تعامل با شهروندان معمولی که اغلب به دنبال دسترسی به کالا یا خدمات اساسی در اماکنی مانند شفاخانه ها، مکاتب، ادارات پلیس و سایر نهادها هستند.
۱۳. اخاذی دولتی	وضعیتی که اشخاص، نهادها، شرکت ها و یا گروه های قدرتمند در داخل یا خارج از کشور از طریق فساد در سیاست ها، شرايط قانونی و اقتصاد کشور به منظور تأمین منافع شخصی خود تأثیر می گذارند.

منبع: شفافیت بین المللی، واژه نامه مبارزه با فساد، <http://www.transparency.org/glossary>.

۱-۱-۱. فساد کلان و فساد خُرد

کارشناسان بین فساد خُرد و کلان تمیز قائل اند؛ گرچند که فساد می تواند در تسلسلی مابین هر دو نوع اتفاق افتد. فساد خرد به میزان کوچک تری از فساد اشاره می کند: سوء استفاده روزانه از صلاحیت توسط منسوبین رتبه پایین تا متوسط، برای مثال: شرط پرداخت رشوه برای دسترسی به کالا یا خدمات.

فساد کلان شامل «تبادل منابع و دسترسی به سرمایه‌ها» (اقتصادی) و یا سایر امتیازات برای منسوبین بلندرتبه، شرکت‌های ممتاز و شبکه‌های عملیاتی تراز اول و حمایت‌گران آن‌ها» می‌شود. در فساد کلان معمولاً مبالغ پولی زیادی جابه‌جا می‌شود. برای مثال: یک منسوب بلندرتبه ممکن است مبلغ پولی را در ازای یک قرارداد دولتی پرسود با شرکتی که مورد حمایت قرار گرفته دریافت نماید. فساد کلان هم‌چنین شامل دست‌زدن به سیاست‌ها، اصول و طرز‌العمل‌ها به‌منظور قادر ساختن منسوبین بلندرتبه برای کسب سود و منفعت از منافع عمومی می‌باشد؛ در بعضی موارد از این فساد به‌عنوان «فساد سیاسی» یاد می‌شود.

۲-۱. حقوق بشر

حقوق بشر عبارت از حقوقی است که هر فرد صرفاً به دلیل انسان بودن مستحق برخورداری از آن است (دانلی، ۲۰۰۷: ۲). «تمام حقوق بشر به تمام انسان‌ها» تعلق می‌گیرد؛ زیرا همه انسان‌ها دارای کرامت‌اند و به‌طور یکسان انسان هستند.

۳-۱. نقض حقوق بشر

ناکامی دولت در اجرای تعهدات سه‌گانه احترام، حمایت و اجرای حقوق بشر نقض حقوق بشر است (ماستریخت^۱، ۱۹۹۷).

۲. فساد در افغانستان

در این قسمت به بیان اجمالی وضعیت فساد در افغانستان و این‌که فساد چگونه زندگی شهروندان را در ابعاد مختلف متأثر ساخته است، می‌پردازیم.

بر اساس گزارش بانک جهانی، افغانستان بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۷ از لحاظ «کنترل فساد» در زمره ۷ فاسدترین کشور جهان قرار گرفته است (سیگار^۲، ۲۰۱۹: ۸). بر اساس گزارش ۲۰۱۹ شفافیت بین‌الملل، افغانستان با کسب ۱۶ نمره از ۱۰۰-نمره، در رده ۱۰ فاسدترین کشورهای دنیا درجه‌بندی گردیده و علی‌رغم کاربست تلاش‌ها در امر مبارزه با فساد از سال ۲۰۱۸ به این سو پیشرفتی در کاهش فساد حاصل نشده است. بر بنیاد این گزارش، افغانستان در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ با کسب ۱۶ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز، در شاخص مبارزه با فساد از جایگاه از یک‌صد و هفتاد و دوم در ۲۰۱۸ به جایگاه یک‌صد و هفتاد و سوم در ۲۰۱۹ تنزل کرده است.

1. Maastricht.

2. Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction (SIGAR).

به همین ترتیب، افغانستان در سال ۲۰۱۷ از ۱۰۰ نمره ۱۵ نمره به دست آورده و از میان ۱۸۰ کشور با احراز جایگاه یک‌صد و هفتاد و هفتم، سومین کشور فاسد جهان شناخته شده بود. در سال ۲۰۱۶ با کسب ۱۵ نمره از ۱۰۰ نمره از میان ۱۷۶ کشور، جایگاه یک‌صد و شصت و نهم، و در سال ۲۰۱۵ با کسب ۱۱ نمره از ۱۰۰ نمره از میان ۱۶۸ کشور، جایگاه یک‌صد و شصت و ششم را گرفته و دومین کشور فاسد در دنیا شناخته شده بود (شفافیت بین‌الملل، ۲۰۱۷: ۴).

فساد در سیستم اقتصادی و حکومت‌داری افغانستان ریشه دوانده (همان: ۴) و به شکلی از اشکال کارکرد ارگان‌ها و سیستم‌های دولتی را از استخدام گرفته تا سیستم دفاع و امنیت، مجازات و مکافات، انتخابات، دسترسی به عدالت، آموزش، ترانسپورتیشن، خدمات شهری و کلیه سیستم ارائه خدمات اجتماعی در سطوح مختلف را متأثر ساخته است.

فساد در ارگان‌های مختلف امنیتی، عدلی-قضایی و صحی مشهود است که ذیلاً به چند مورد آن من باب مثال اشاره می‌شود:

دو سال پیش، محمداشرف غنی، رئیس‌جمهور کشور، وزارت داخله را قلب فساد در نهادهای امنیتی عنوان کرد. ارزیابی میک (کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری) نیز فساد گسترده در وزارت امور داخله را تأیید می‌کند. سیگار (بازرس ویژه آمریکا برای بازسازی افغانستان) هم بارها فساد در وزارت امور داخله را نگران‌کننده خوانده است (اطلاعات روز، ۲۰۲۰). در یک مورد، اخیراً در گزارش سیگار آمده است: ۵۰٪ مواد نفتی نیروهای امنیتی افغانستان ناپدید می‌شود (صبح کابل، ۱۳۹۸).

بنیاد اندیشه

در مورد دیگر، یک فرد تجربه‌اش را از فساد این‌گونه بیان می‌کند: «ما در این جا روی سرک‌ها اجناس مختلف را به فروش می‌رسانیم. آمر پلیس این منطقه فردی را موظف کرده تا از ما پول جمع‌آوری کند و به وی انتقال دهد.» (UNDOC, 2010: 10). این گونه پول‌های جمع‌آوری شده نه در حساب دولت می‌ریزد و نه برای خدمت‌رسانی به شهروندان و تقویت حکومت قانون به مصرف می‌رسد؛ بلکه به صورت غیر قانونی در جیب اشخاص می‌ریزد. حضور دست‌فروشان در کنار سرک‌ها و عمل غیر شفاف جمع‌آوری پول در برخی مکان‌ها در حدی است که باعث ایجاد مشکل در نظم شهری و سبب محدود شدن ساحه رفت و آمد میلیون‌ها عابر می‌شود؛ چنان‌که گویی بخش‌هایی از سرک به معامله گرفته شده باشد. به این ترتیب، فساد تحقق نظم و امنیت شهری را دچار اختلال می‌سازد.

1. Transparency International.

۲. دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد.

یافته‌های تحقیق دسترسی شهروندان به عدالت که از سوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشر شده، آمده است: مردم در دسترسی به عدالت در نهادهای کشفی، عدلی و قضایی با مشکل فساد و رشوه‌ستانی مواجه‌اند. دست کم ۴۱٪ از شهروندان قربانی فساد بوده‌اند. بیش تر کسانی که به فساد و رشوه‌ستانی دست دارند (۵۵٫۸٪) از مراجعه‌کنندگان خویش پول نقد درخواست می‌کنند (کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۹۵: ۱۱).

حق صحت نیز بدور از نقض ناشی از فساد باقی نمانده است. یافته‌های «تحقیق ملی وضعیت حق دسترسی به خدمات صحی با کیفیت» انجام‌شده توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که در کنار سایر مشکلات عدیده صحی مثل دواى بی کیفیت، کمبود و نبود خدمات صحی سراسری، کمبود داکتران زن و بسا مشکلات دیگر، فساد از نوع تبعیض و تعصب در ارائه خدمات صحی در سطح بالایی در کشور وجود دارد. در تحقیق، رقم درشت ۶۳٪ فیصدی مصاحبه‌شوندگان از موجودیت تبعیض قومی شدیداً احساس نارضایتی کرده‌اند. تبعیض در ارائه خدمات صحی سبب شده است تا مردم اعتمادشان را به مراکز صحی و داکتر از دست بدهند (کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۹۵: ۷).

۳. فساد سیستماتیک، معضلی فراروی تلاش‌های مبارزه با فساد^۱

بنا بر اظهارات قطعی شمار زیادی از ناظرین افغان و بین‌المللی، فساد در افغانستان حداقل تا سال ۲۰۰۹، به صورت سیستماتیک یا ثابت و فراگیر بوده است. در سال ۲۰۱۰، سفارت ایالات متحده آمریکا مقیم کابل در گزارشی اعلام کرد در جلسه‌ای که مقامات بلندپایه آمریکا با مشاور امنیت ملی افغانستان، دکتر رنگین دادفر سپینتا، داشتند، وی گفت: «فساد فقط معضلی برای سیستم حکومت‌داری در افغانستان نیست؛ بلکه خود سیستم حکومت‌داری می‌باشد.»

در چنین شرایطی، رهبران حکومت و شهروندان خصوصی که با مقامات بلندپایه سیاسی در ارتباط هستند، می‌توانند به دنبال حفظ کنترل منابع و هرم‌های قدرت از طریق سوء استفاده از صلاحیت‌های اعطاشده خود باشند. این موضوع مانع ناکامی هرگونه تلاش برای جلوگیری و یا مبارزه با فساد می‌شود. مقابله با فساد سیستماتیک نیازمند همکاری رهبران سیاسی می‌باشد که سلطه آن‌ها بر ساختارهای قدرتی است که تلاش‌های مقابله با فساد به دنبال برچیده شدن این ساختارها می‌باشد. در نتیجه این رهبران به دنبال آن هستند که تا از هر طریقی مانع این اصلاحات شوند؛ (چرا که) منفعت آن‌ها در حفظ سیستم فساد نهمفته می‌باشد که برای آن‌ها و هم‌چنین گروه‌های هویتی بزرگ‌تری که با آن‌ها

۱. این بحث با تمرکز بر گزارش سال ۲۰۱۶ سیگار انجام شده است.

همکاری می‌کنند، سود و منفعت به همراه دارد.

در وضعیت فساد سیستماتیک - آن‌گونه که در افغانستان است - پی بردن به این غلط‌فهمی که فساد خُرد و کلان از هم فاصله دارند، مهم است. یک چنین برداشتی، مسئله فهم این واقعیت را که فساد در سطوح مختلف به صورت عمودی با هم گره خورده، از دید پنهان می‌سازد. فساد خُرد مستقیماً با فساد کلان مرتبط است؛ به‌گونه‌ای که دلالت قدرت^۱ در موقف‌های بلند، نهادهای دولتی - مانند پلیس، محاکم، گمرک و سیستم‌های تدارکات - را جهت برای به دست آوردن منابع و منافع به طرف خود از سطوح پایین استفاده می‌کنند (سیگار: ۲۰۱۶: ۴).

مکانیزم اصلی این ساختار یکپارچه، خرید بست‌های دولتی است. گزارش‌ها و مصاحبه‌های متعددی نشان می‌دهد که در اغلب موارد، «بست‌های دولتی به جای سپرده‌شدن، خریده می‌شوند». برای مثال، نهاد غیر دولتی دیده‌بان شفافیت افغانستان در تحقیق سال ۲۰۰۷ خود در مورد «اقتصاد بازاری» توضیح داده که در آن «تمام بست‌ها، مساعدت‌ها و خدمات خرید و فروش می‌شوند». در این تحقیق آمده است که «یک بافت قدرتمند و پیچیده از شبکه‌های غیر قانونی در سطوح ولسوالی تا ولایتی و مرکزی وجود دارد که همکاری بسیار نزدیکی با هم دارند» و این قدرت این شبکه‌ها مانع اجرای اصلاحات می‌باشد. طبق گفته یک مقام سابق دولتی میان‌رتبه، وزیران و معاونین آن‌ها نه تنها به دنبال کنترل دسترسی به تمام بست‌ها بودند؛ بلکه بیش‌تر بست‌های درجه دوم پرسود مانند بست‌های ثابت در کلان‌شهرها، بست‌های امنیت مرزی و بست‌های بلندرتبه در ولایات و ولسوالی‌هایی که خشک‌خاش کشت می‌کنند و یا دارای معادن هستند را نیز کنترل می‌کردند و این‌گونه جریان پول و قدرت از پایین به بالا، تعداد معدودی را ثروتمند کرده و مردم عادی را قربانی می‌سازد (همان: ۵).

با بیان نکات بالا، چنین به نظر می‌رسد که عمل شنیع فساد در افغانستان زمینه‌مند است؛ چنان‌که گویی فساد در ادارات افغانستان به فرهنگ تبدیل شده و یا به عبارت دیگر، خطر فرهنگی شدن فساد در کشور محسوس است. به گفته رنگین دادفر اسپنتا، مشاور پیشین امنیت ملی افغانستان: «فساد نه تنها پرابلمی برای سیستم حکومت‌داری در افغانستان، بلکه سیستم حکومت‌داری است.»

۴. تأثیرات منفی فساد بر اجرای موازین حقوق بشر

برای درک تأثیر فساد بر اجرای حقوق بشر باید به طیف وسیع حقوقی که به علت وجود فساد در جامعه نقض می‌شوند، توجه کرد. به طور معمول، در هر کشور توسعه‌نیافته و در حال توسعه، شهروندان برای دستیابی به حقوق اولیه خود به کارکنان مکتب‌ها، شفاخانه‌ها و مقامات اداری محلی

1. Powerbrokers.

باید رشوه بدهند؛ اما این رشوه‌های خرد تنها یک روی سکه هستند. حقوق مردم به وسیله مقامات ارشد جامعه نیز نقض می‌شوند. به طور مثال: وقتی یک مقام فاسد کمک‌های بشردوستانه برای مردم فقیر را به حساب خود وارد می‌سازد یا منابع بزرگ ملی را که باید صرف خدمات اجتماعی شود، برای تضمین حکومت خود با بهای کم به دیگران می‌فروشد، ناقض حقوق بشر در سطحی وسیع است. این شرایط غیر از نقض حقوق ابتدایی مردم، امکان هرگونه اعتراضی را از آن‌ها می‌گیرد. در واقع، برخی رژیم‌های حاکم برای تصاحب و حفظ قدرت‌شان و برای این‌که فرصت را از دست ندهند، به اقدامات شدیدتری دست می‌زنند که شرایط را برای مردم بدتر می‌کند؛ یعنی رشته‌ای از نقض‌ها پی در پی می‌آیند. یک نمونه واضح از چنین شرایطی در دهه ۱۹۹۰ مشکلات جنرال اباچا در انتخابات بود. در این قضیه میان نظامیان نیجریایی و کمپنی نفتی شل توافقی صورت گرفت. در این توافق به این کمپنی اجازه داده شد که سرزمین نیم میلیون آگانیایی را از نظر اکولوژیکی خراب کند و سبب مرگ هزاران تن از آنان از جمله اعدام نویسنده مشهور و صلح‌جوی سارو-ریا شود (بجستانی، ۱۳۸۵: ۶۵).

مصادیقی از این دست فساد در افغانستان را در موارد زیادی، از جمله در برگزاری انتخابات پارلمانی سال ۱۳۹۸، می‌توان مشاهده کرد. راه‌اندازی این انتخابات-ضمن این‌که جنبه سراسری نداشت و در ولایت غزنی برگزار نشد- پر از مشکلات و نواقص تخنیکی بود. پیچیدگی و عدم شفافیت در برگزاری انتخابات پارلمانی این دوره در حدی بود که نزدیک بود انتخابات ولایت کابل باطل اعلان و دوباره برگزار شود. به هر حال، در حاله از ابهام و عدم شفافیت و پاسخ‌گویی، مشکل انتخابات ولایت کابل و معرفی نمایندگان این ولایت با پادرمیانی/میانجی‌گری معاونت دوم ریاست جمهوری حل شد. راه یافتن وکلای کابل در پارلمان پیش از این‌که بر مبنای شفافیت و رأی مردم بوده باشد، بر مبنای تعامل بود. برهنه‌تر از آن این‌که کمیشنران هردو کمیسیون-کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی- مرتکب فساد شدند و تحت پیگرد عدلی قرار گرفتند. ناتوانی در حفظ استقلالیت، سوء مدیریت و اعمال نتوانستن صلاحیت‌های قانونی کمیسیون انتخابات، عدم شفافیت و پاسخ‌گویی در مقابل رأی و آرای مردم و نیزه‌آغشته بودن کمیشنران این کمیسیون در فساد اداری-سیاسی مشکلات کلانی را در سطح کشور به وجود آورد. علاوه بر بی‌اعتنایی به حق رأی مردم، هزینه سنگینی را که این انتخابات در کشور به جا گذاشت، این بود که مردم را نسبت به کمیسیون مستقل انتخابات و در کل بر روند انتخابات بی‌اعتماد ساخت.

برگزاری پرچالش و نارسای این انتخابات باعث شد تا زنان و مردان رنج‌دیده‌ای که به دموکراسی برای حل مشکلات سیاسی آینده کشورشان چشم امید دوخته بودند، نومید و در نتیجه به آوردن تغییر و تحقق آینده بهتر با استفاده از حق رأی‌شان بی‌باور شوند. عدم شفافیت و مسئولیت‌ناپذیری در

برگزاری این انتخابات در حقیقت آسیب‌زدن به مشارکت مردم و به مسلخ کشیدن دموکراسی بود. پیامد منفی انتخابات پارلمانی را در انتخابات ریاست جمهوری ۶ میزان ۱۳۹۸ به وضاحت مشاهده و تجربه کردیم؛ چنان‌که در این انتخابات از نه میلیون و شش صد هزار نفر ثبت نام‌شونده، کم‌تر از دو میلیون نفرشان به پای صندوق‌های رأی رفتند (بی‌بی‌سی، ۱۳۹۸).

۴-۱. تأثیر فساد بر حقوق سیاسی و مدنی

اصل برابری و عدم تبعیض، اساسی‌ترین حق بشری است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون‌های حقوق سیاسی - مدنی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته است.^۱ رعایت اصل برابری افراد، دولت را از هرگونه تبعیض و تمایز میان افراد و گروه‌های اجتماعی منع می‌کند. برای این که اصل برابری در جامعه عینیت پیدا کند، باید توسط دولت، قانون و حاکمیت قانون حمایت شود؛ اما در جامعه‌ای که فساد وجود دارد، اصل برابری با پرداخت رشوه از طرف یک فرد به یک مقام اداری نقض می‌شود. وقتی شخصی پیشنهاد رشوه به یک مقام اداری می‌کند - پول یا امتیاز - این فرد فوراً به امتیازی دست می‌یابد که سایر افراد فاقد آن هستند؛ مثلاً کار فرد رشوت‌دهنده در مدت کوتاه انجام می‌شود یا می‌تواند به هدف غیر قانونی چون کاهش مالیات برسد.

بیش‌تر تبعیض در محاکم ظاهر می‌شود؛ وقتی که نظام عدلی-قضایی بی‌طرف، مستقل و عادل نباشد. از مهم‌ترین دلیل قضاوت غیر عادلانه، فساد یا وابستگی سیاسی است. وقتی فساد سیستماتیک در کشوری وجود داشته باشد، قاضی‌ها نمی‌توانند در برابر اعمال نفوذ حکومت بی‌طرف بمانند. وقتی فساد در نهاد عدلی-قضایی وجود داشته باشد، تلاش فردی برای تحقق عدالت با ناکامی مواجه می‌شود.

تأسیس ۱۳۹۴

به‌عنوان مثال: در سال ۱۹۹۸، روزنامه فایننشال تایمز گزارش داد که ده قاضی ونزویلابی برای تغییر در احکام‌شان به نفع مافیای مواد مخدر رشوه دریافت کرده‌اند و سیستم قضایی ونزولا به یک سیستم معامله منافع تبدیل شده است (بجستانی، ۱۳۸۵: ۶۶).

مثال دیگری که شایع‌ترین نوع نقض حقوق مدنی و سیاسی است، نقض حق دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان است. آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات از حقوق بنیادین و ابزاری در دست مردم برای مشارکت و تأمین شفافیت و پاسخ‌گویی مأموران دولتی و امکانی برای بلندکردن صداهاست. دسترسی به اطلاعات شامل دسترسی به قوانین، نحوه اجرای استراتژی‌ها و آیین‌نامه‌های آن‌هاست. جریان

۱. ماده‌های ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۲۶ کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی، و مقدمه کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶). نهاد ترجمه‌کننده و ناشر: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

اطلاعات و آزادی بیان، مردم را در روشنی کارکردهای دولت قرار داده و پرده از روی پنهان‌کاری‌های حکومت برمی‌دارد. به این ترتیب، مقامات فاسد نخواهند توانست خودسرانه تصمیم بگیرند و یا پول‌ها را به صورت غیر قانونی به حساب خود و یا خویشان‌شان وارد کنند (همان: ۷۶).

مثال موردی از نقض حقوق سیاسی - مدنی ناشی از فساد در افغانستان

داشتن امنیت و زندگی مصون در زمره حقوق مدنی-سیاسی انسان‌ها است. این حق در افغانستان به وضوح و به اشکال مختلف نقض می‌شود. در این جا به یک نمونه آن می‌پردازیم: به تاریخ ۵ عقرب ۱۳۹۶، بی‌بی‌سی گزارشی را نشر کرد مبنی بر این‌که اعاشه نیروهای پلیس ولایت غور در مرکز افغانستان برای سه ماه به دست‌شان نرسیده و تدریجاً قطع شده است. جنرال ضیاءالدین ثاقب، سرپرست و آمر امنیت فرمان‌دهی پلیس غور، در مصاحبه با بی‌بی‌سی اظهار داشته است که بیم آن می‌رود که با ادامه این وضعیت، شماری از سربازان وظیفه را ترک کنند. سربازان پلیس به جای این‌که به تأمین امنیت بپردازند، برای گدایی نان به خانه‌های مردم می‌روند. در نقل قول از یکی از سربازان آمده است: «می‌رویم از خانه‌های همسایه نان خشک می‌طلبیم. به ما می‌گویند شما پلیس هستید و باید خدمت کنید. پلیس را ندیده‌ایم که از خانه‌های مردم نان بخواهند.»

تأخیر، تعلل، نرساندن، قطع کردن و یا کاستن معاش و غذای پلیس و در کل نیروهای دفاعی و امنیتی توسط مسئولینی که عهده‌دار آن‌اند، نقض حق امرار معیشت پلیس شمرده شده و مثال بارز فساد است؛ آن‌هم در سیستمی که مسئولیت تأمین نظم و امنیت و حفاظت از حقوق و آزادی‌های افراد جامعه را بر عهده دارند. این عمل، تبعاً می‌تواند منجر به نقض حق امنیت افراد در جامعه شود. موجودیت فساد در ساختار امنیتی، منسویین دفاعی و امنیتی و در کل سیستم را آسیب‌پذیر می‌سازد. در این صورت، پیش از این که منسویین امنیتی بتوانند امنیت جامعه و حفاظت از حقوق و آزادی‌های شهروندان را محقق سازند، در نخستین قدم حق زندگی و امنیت خود آن‌ها در معرض خطر قرار می‌گیرد.

نقض حق امنیت بالترتیب تبعات منفی زیاد دیگری را بر برخورداری شهروندان از سایر حق‌های بشری مثل حق زندگی، آزادی، تعلیم و تربیه، گشت‌وگذار و صلح جامعه بر جا گذاشته و در کل حکومت و شهروندان را در معرض خطر بالفعل قرار می‌دهد؛ وضعیتی که هیچ‌کس نتواند حق حیات، آزادی و امنیت شخصی را تجربه کند.

۴-۲. تأثیر فساد بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به لحاظ ماهیت از آن دسته حقوقی است که نیازمند اقدامات

مثبت دولت می‌باشد و به صورت تدریجی تحقق می‌یابد؛ یعنی دولت مکلف است تا از طریق طرح برنامه‌های مؤثر و تخصیص بودجه، اجرای این دسته از حقوق را عملی سازد؛ اما موجودیت فساد، به‌ویژه از نوع سیستماتیک آن، روند تحقق تدریجی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را صدمه می‌زند. در بسیاری از موارد، فساد سبب می‌شود تا قسمت ناچیزی از منابع پولی و مالی در بخش‌های زیربنایی مثل صحت، آموزش و پرورش، ایجاد کار، تجارت آزاد و تحقق عدالت مصرف شود و قسمت زیاد آن در اختیار حاکمانی قرار می‌گیرد که آن‌ها پیش از فکر کردن به حقوق و آزادی‌های اساسی مردم، در فکر حفظ قدرت، اندوختن ثروت و تداوم سلطه‌شان بر مردم‌اند و ارزشی به کرامت انسانی، امنیت انسانی و حقوق و آزادی‌های اساسی مردم ندارند؛ مشکلی که در نتیجه روند انکشاف جامعه را آسیب می‌زند. آمارها نشان می‌دهند که تنها در بانک‌های سویس برای سران آفریقا بیش از بیست میلیون دالر پول نگهداری می‌شود. این در حالی است که وضعیت شهرها و روستاهای این کشورها بهم ریخته و نابسامان است و وضعیت مردم به‌ویژه زنان، کودکان، اقلیت‌ها و کلان‌سالان در این کشورها رقت‌بار است و خیلی از افراد با فقر و گرسنگی زندگی سپری می‌کنند.

در افغانستان نیز از این دسته مشکلات به شکل فراوان وجود دارد. در این جا به شکل موردی از نقض حق آموزش که یکی از مصادیق حقوق اجتماعی-فرهنگی است، مثال می‌زنیم:

گزارش میک حاکی است که در وزارت معارف افغانستان بیش از ۱۴۵۸ میلیون دالر اختلاس و مورد حیف‌ومیل قرار گرفته است (میک، ۲۰۱۶: ۱۵۷). این در حالی است که همین اکنون بیش از ۳٫۵ میلیون کودک در کشور به حق آموزش که از جمله حقوق ابتدایی انسانی است، دسترسی ندارند.

بنیاد! آموزش رکن سعادت بشر و ماشین حرکت جامعه در جهت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. موجودیت فساد در نظام آموزش یک جامعه به معنای آسیب‌زدن به ماشینی است که جامعه را به حرکت درمی‌آورد. فساد در نظام آموزشی کشور، حالا چه از نوع اختلاس و رشوت و چه از نوع استخدام استادان بر اساس روابط و خویشاوندی بدون در نظر گرفتن ظرفیت و شایستگی آن‌ها، به معنای به‌گروگان گرفتن آینده‌کودکان است و در نتیجه جامعه را دچار درماندگی فرهنگی می‌سازد و نمی‌گذارد که افراد، پتانسیل انسانی‌شان را شکوفا بسازند و در مسیر سعادت خود و سهم‌گیری خلاق در جامعه گام بردارند. تبعات منفی فساد در نظام آموزش بسیار گسترده است. فساد در نظام معارف منجر به تلف شدن وقت، انرژی و سرمایه‌گذاری روی نسل‌های آینده‌ساز کشور می‌شود. فساد در معارف، پیامدهای منفی پیدا و پنهان زیاد اجتماعی-فرهنگی را بر جامعه تحمیل کرده و اتکا و امید به نسل آینده‌جامعه را به سطح پایین تنزل می‌دهد. فساد مانع رشد سواد، آگاهی و نیل افراد به توسعه، صلح و امنیت اجتماعی می‌شود. در حقیقت امر، استخدام معلم، مؤلف و یا هر مقام کلیدی دیگر بدون

شایستگی و حصول اطمینان از ظرفیت آن‌ها در پیشبرد امور به طور قابل انتظار، به معنای به‌گروگان گرفتن پیشرفت نسل‌های آینده و عقب‌نگهداشتن کشور از قافله پیشرفت است.

۳-۴. تأثیر فساد بر حقوق همبستگی

صلح، محیط‌زیست، توسعه و ارتباطات از جمله مصادیق مهم حقوق همبستگی‌اند. حقوق همبستگی از آن دسته حقوقی است که تحقق آن با درک همبستگی انسانی و تعاون انسان‌ها با یکدیگر میسر می‌شود؛ اما فساد آفتی است که می‌تواند نیل جامعه به حقوق همبستگی را مانع شود. فساد درست به مثل یک زمین شورزار، تاریک و زمستانی می‌ماند که امکان رشد و نموی درخت را در خود ناممکن می‌سازد. فساد در جامعه هم مثل زمین شورزار می‌ماند و نمی‌گذارد که صلح، توسعه و محیط‌زیست سالم بمانند. به طور مثال: حق محیط‌زیست سالم را در نظر بگیرید: فساد سبب می‌شود تا بودجه‌ای که از حق عمومی برای ثبات و نظم شهری، سربسزی، تأسیس پارک‌ها، ترانسپورتیشن و جلوگیری از آلاینده‌های محیط‌زیستی اختصاص یافته، به انحراف کشانیده شود و در نتیجه در جهت غیر از آنچه که باید، به مصرف برسد.

فساد، حق صلح را هم با کندی مواجه می‌سازد. تحقیق گفت‌وگوی مردم افغانستان پیرامون صلح، حاکی است که در کنار سایر عوامل، فساد به‌عنوان یکی از عوامل مخل صلح و عامل کلیدی محرک منازعه در افغانستان شمرده می‌شود. گزارش می‌رساند که فساد راه را به سوی نفوذ در نظام کشفی، عدلی و قضایی باز می‌گذارد. در نتیجه، معافیت مجرمین از مجازات ممکن می‌شود و فساد و معافیت هر دو، یکدیگر را تقویت بخشیده و نقش بازدارنده را در تحقق عدالت، حاکمیت قانون، صلح و توسعه اجتماعی بازی می‌کند (گفت‌وگوی مردم افغانستان پیرامون صلح، ۲۰۱۴: ۲).

به ترتیب فوق، فساد حق توسعه و در کل توسعه پایدار را نیز با تأخیر مواجه می‌سازد؛ چنان‌که جوز اُگاز^۱، رئیس شفافیت بین‌الملل، می‌گوید: «با فساد، توسعه پایداری در میان نیست.» فساد عامل عمده دست‌یابی به اهداف توسعه پایدار^۲ است؛ طوری که پیشرفت اقتصادی را مانع گردیده و فقر را افزایش می‌دهد و نیز دسترسی برابر اکثر گروه‌های حاشیه‌ای را به خدمات حیاتی مثل مراقبت‌های صحی، آموزش، آب و بهداشت با مشکل مواجه می‌سازد (شفافیت بین‌الملل^۳، ۲۰۱۷).

1. José Ugaz.
2. Sustainable Development Goals (SDGs).
3. Amnesty International.

آمریکا (نیویارک تایمز^۱، ۲۰۱۹) به آدرس مردم و بازسازی افغانستان هزینه شده است؛ اما مقدار زیادی از این کمک‌ها در فقدان یک مکانیزم شفاف و بدون طرح مؤثر این که این کمک‌ها در کجا و چگونه به مصرف برسند، در زنجیره فساد گیر کرده و روند بازسازی، توانمندسازی و دولت-ملت‌سازی را کُند ساخته است.

با توجه به آنچه گفته آمدیم، ایجاب می‌کند که حکومت در درجه اول و همین‌طور نهادهای جامعه مدنی، رسانه‌ها و عموم شهروندان در برابر این پدیده مخرب، تباه‌کننده و ناقض حقوق بشر بایستند. توسعه آگاهی عمومی در مورد حقوق بشر، حساس‌سازی مردم در مورد ضررهای فساد و تلاش صادقانه و عملی حکومت در اجرای موازین حقوق بشر^۲ از جمله راه‌کارهای مناسب در امر مبارزه با فساد محسوب می‌شوند. به این ترتیب، نکات زیر جهت مبارزه با فساد پیشنهاد می‌شود:

۱. حکومت با تجدید تعهد به انجام مکلفیت‌های بین‌المللی حقوق بشری‌اش، رویکردی مبتنی بر حقوق بشر را در سیاست‌سازی، برنامه‌ریزی، ارزیابی‌ها و پالیسی‌سازی‌هایش روی دست گیرد و اجرای موازین حقوق بشر را به‌منظور مبارزه با فساد در صدر اولویت‌های کاری خویش قرار دهد. به این منظور، حکومت موازین حقوق بشر را به‌عنوان یک اصل و معیار در انجام امور تعیین کرده و تخطی از آن را غیر قابل‌سازش برای مؤظفین خدمات عامه در نظام بیان دارد و ترفیع و تنزیل مأموران را مشروط به رعایت، حمایت و اجرای حقوق بشر معرفی کرده و مسئله رعایت حقوق بشر توسط کارمندان دولتی را شامل فرم ارزیابی کارمندان نماید.
۲. برای این که مبارزه با فساد نتیجه‌بخش تمام شود، باید راهبردها و روش‌های گذشته و اکنون با رویکرد آسیب‌شناسانه و کارشناسانه بررسی شده و راهبرد جدید با جنبه‌های عملی‌تر ساخته شود و این بار امور مبارزه با فساد با اراده سیاسی جدی و توأم با قطعیت اجرا شود. تا زمانی که عواملان و مرتکبان فساد جداً احساس نکنند که با ارتکاب فساد، دستگیر شده و با مجازات شدید روبه‌رو می‌شوند، دست از فساد برنخواهند داشت.
۳. استخدام‌ها به شکل رقابتی و بر اساس اصل شایستگی، اصل عدم تبعیض و در مطابقت با اصول و ارزش‌های شهروندی - مثلاً از طریق کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی - و با رعایت شفافیت تام و تمام انجام شود. برای استخدام مقامات فوق‌رتبه و خارج

1. The New York Times.

۲. سازمان ملل متحد برای مبارزه علیه فساد، "کنوانسیون مبارزه علیه فساد" را در سال ۲۰۰۳ به تصویب رسانیده است. افغانستان نیز به تاریخ ۱۳۸۶/۰۵/۲۵ الحاق خود را به این کنوانسیون اعلام کرد و خود را متعهد به مبارزه علیه فساد ساخته است.

رتبه یک‌بورد تعیینات مرکب از افراد مدنی، متخصص و با ظرفیت که یک دید استراتژیک نسبت به آینده افغانستان داشته باشند، ساخته شود و از این مجرا به انتخاب و تعیینات مقامات عالی‌پرده پرداخته شود. هم‌چنان مکانیزم‌های تفتیش، ارزیابی و نظارت در درون ارگان‌ها نیز معیاری و مبتنی بر عدالت گردد.

۴. جریان اطلاعات در داخل ساختارهای حکومت و جامعه و تعهد حکومت در به دسترس قرار دادن اطلاعات برای شهروندان و آزادی بیان تقویت شده و معلومات در چگونگی مصرف منابع داخلی و کمک‌های خارجی به صورت شفاف و پاسخ‌گو از طریق رسانه‌ها در اختیار شهروندان قرار گیرد.

۵. سطح آگاهی مأموران حکومتی دربارهٔ مکلفیت‌شان نسبت به حقوق بشر ارتقا یابد و نیز بر اجرای امور کاری مأموران دولتی در سطوح مختلف (پایین، متوسط و بالا) جهت ایجاد شفافیت و پاسخ‌گویی بیش‌تر از عملکرد آن‌ها در مطابقت به ارزش‌های حقوق بشر نظارت به عمل آید.

۶. برای نابود کردن فساد، همراهی و همکاری جمعی و جدی احزاب، جمعیت‌ها، رسانه‌ها، نهادهای مدنی، نهادهای آموزشی، تحصیلی و تحقیقاتی با حکومت از ارزش‌های حیات‌بخش برخوردار است؛ لذا در کنار تلاش‌های حکومت، همکاری احزاب، رسانه‌ها، سازمان‌های جامعهٔ مدنی و خانوادهٔ آکادمیک، موفقیت مبارزه علیه فساد را بالا می‌برد.

۷. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان منحصبت نهاد ملی حقوق بشر و با توجه به صلاحیت‌های قانونی‌اش، می‌تواند با شدت بخشیدن به فعالیت‌های نظارتی‌اش بر رعایت حقوق بشر و نیز از طریق بلندبردن سطح آگاهی مردم و کارمندان دولت، نقش کلیدی را در امر رعایت حقوق بشر و مبارزه با فساد ایفا نماید.

منابع

۱. ادارهٔ عالی مبارزه با فساد اداری (۱۳۸۷)، قانون نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری، تاریخ نشر در جریدهٔ رسمی ۱۳۷۸/۵/۸.
۲. اطلاعات روز (۲۰۲۰)، «شریک دزد، رفیق قافله»، زمان دسترسی به گزارش، ۱۰ دلو ۱۳۹۸. گزارش از این آدرس قابل دریافت است: <https://www.etilaatroz.com/92035/partner-of-thief-comrade-caravan>
۳. بجستانی، نیلوفر شریف (۱۳۸۵)، «اجرای موازین حقوق بشر مناسب‌ترین راه در مبارزه با فساد»، مجلهٔ حقوق

- عمومی، شماره ۲.
۴. بی‌بی‌سی (۱۳۹۶)، پلیس ولایت غور: سربازان ما حتی نان ندارند، زمان دسترسی به گزارش، ۲۷ جدی ۱۳۹۶. گزارش از این آدرس قابل دریافت است: <http://www.bbc.com/persian/afghanistan-41718861>
 ۵. بی‌بی‌سی (۱۳۹۶)، دادستانی افغانستان از کمک‌کنندگان عمده فساد در افغانستان اعلام شد. زمان دسترسی، ۱۳۹۸/۱۱/۲۲. گزارش از این آدرس قابل دریافت است: <https://www.bbc.com/persian/afghani-stan-40652660>
 ۶. بی‌بی‌سی (۱۳۹۸)، اشرف غنی برنده انتخابات افغانستان اعلام شد، عبدالله: ما پیروزم، دولت دیگری تشکیل می‌دهیم. گزارش از این آدرس قابل دریافت است: <https://www.bbc.com/persian/afghani-stan-51523891>
 ۷. دفتر ملل متحد برای مواد مخدر و جرم/UNDOC(۲۰۱۰)، فساد اداری در افغانستان قضایای گزارش‌شده رشوت توسط متضررین، ناشر: دفتر ملل متحد برای مواد مخدر و جرم.
 ۸. روزنامه صبح کابل (۱۳۹۸)، سیگار: ۵۰ درصد مواد نفتی نیروهای امنیتی افغانستان ناپدید می‌شود. زمان دسترسی به گزارش، ۹ دلو ۱۳۹۸. گزارش از آدرس: www.subhkabul.com قابل دسترس است.
 ۹. سارنوالی (۱۳۹۶)، کنفرانس مشترک مبارزه با فساد اداری در سکتور دفاعی و امنیتی افغانستان، ناشر: لوی سارنوالی افغانستان.
 ۱۰. قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۸۴)، ناشر: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، چاپ مجدد.
 ۱۱. کرامی، کاوه (۱۳۹۵)، فساد در افغانستان؛ جایگاه بهتر؛ عل‌رغم رشوه بیش‌تر، گزارش بی‌بی‌سی فارسی.
 ۱۲. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد (۲۰۱۶)، ارزیابی آسیب‌پذیری‌های فساد به سطح وزارت، وزارت معارف.
 ۱۳. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۵)، تحقیق ملی وضعیت حق دسترسی به خدمات صحی با کیفیت.
 ۱۴. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۵)، گزارش وضعیت حق دسترسی به خدمات صحی با کیفیت.
 ۱۵. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۵)، گزارش وضعیت حق دسترسی شهروندان به عدالت.
 ۱۶. گفت‌وگوی مردم افغانستان پیرامون صلح: ایجاد مبانی برای یک پروسه فراگیر صلح (۲۰۱۴)، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و نهادهای جامعه مدنی.
 ۱۷. میک (کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد (۲۰۱۶)، ارزیابی آسیب‌پذیری‌های فساد به سطح وزارت، وزارت معارف. قابل یادآوری است که نگارنده صرف یک قسمت از آمارهای درشت فساد در وزارت معارف را مبتنی بر گزارش کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی علیه فساد اداری جمع کرده و به‌صورت مجموعی درآورده است. برای مطالعه بیش‌تر گزارش به این آدرس مراجعه شود: http://mec.af/files/2017_23_10_moe_dari.pdf
 ۱۸. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۹. <http://anti-corruption.gov.af/fa/page/8477>، وبسایت اداره عالی مبارزه علیه فساد افغانستان
 20. Asia Foundation (2012), THE GROWING CHALLENGE OF CORRUPTION IN AFGHANISTAN Reflections on a Survey of the Afghan People, Part 3 of 4, published by Asia Foundation.
 21. FRA(2013), Training Manual on Fundamental Rights-based policing, A manual for Police Training, European Union Agency for Fundamental Rights, Publications Office of the European Union.
 22. FRA(2013), Training Manual on Fundamental Rights-based policing, A manual for Police

- Training, European Union Agency for Fundamental Rights, Publications Office of the European Union.
23. INTERNATIONAL MONETARY FUND Fiscal Affairs and Legal Departments (2016), Corruption: Costs and Mitigating Strategies, p.5. Available at: <http://www.imf.org/external/pubs/ft/sdn/2016/sdn1605.pdf>.
 24. Jack Donnelly (2007), The Relative Universality of Human Rights, University of Denver, Human Rights Quarterly.
 25. Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction (SIGAR) (2016), CORRUPTION IN CONFLICT: LESSONS FROM THE U.S. EXPERIENCE IN AFGHANISTAN. The report is available at: <https://www.sigar.mil/pdf/LessonsLearned/SIGAR-16-58-LL.pdf>.
 26. The New York Times (2019), What Did the U.S. Get for \$2 Trillion in Afghanistan? The access time: 6 Feb.2020. Available at: <https://www.nytimes.com/interactive/2019/12/09/world/middleeast/afghanistan-war-cost.html>.
 27. Tolo News (2018), Afghanistan Ranked 4th Most Corrupt Country For This Year. The report is available at: <https://tolonews.com/afghanistan/afghanistan-ranked-4th%C2%A00most-corrupt-country-year>.
 28. Transparency International (2017), Collective Resolution to Enhance Accountability and Transparency in Emergencies, Synthesis Report.
 29. Transparency International (2017), Collective Resolution to Enhance Accountability and Transparency in Emergencies, Synthesis Report, p.4.
 30. Transparency International (2017), No Sustainable Development without Tackling Corruption: The Importance of Tracking Sdg. For More Information Refer At: https://www.transparency.org/news/feature/no_sustainable_development_without_tackling_corruption_SDG_16
 31. Transparency international (2019), corruption perceptions index 2019.
 32. UNAMA (2019), CONTINUED FOCUS REQUIRED TO ADVANCE AFGHANISTAN'S ANTI-CORRUPTION REFORMS – UN REPORT. Access time to the report, 2 Feb.2020. The report is available at: <https://unama.unmissions.org/continued-focus-required-advance-afghanistan%E2%80%99s-anti-corruption-reforms-%E2%80%93-un-report>
 33. UNITED NATIONS New York and Geneva (2002), OFFICE OF THE UNITED NATIONS HIGH COMMISSIONER FOR HUMAN RIGHTS, PROFESSIONAL TRAINING SERIES No. 5/Add.2 Human Rights and Law Enforcement A Trainer's Guide on Human Rights for the Police.
 34. University of Minnesota, Human Rights Library, Maastricht Guidelines on Violations of Economic, Social and Cultural Rights Maastricht, January 22-26, 1997.